



لیختند بهاری شده، خودم را می‌خواندند رفاقتی دیرینه پیدا خوشبخت‌ترین آدم روی زمین کرده‌ام، مخصوصاً آنهایی که در آن می‌بینم. آن قدر که حس می‌کنم با همه آدم‌هایی که این یکی دو سال کاریمدیکاتورهایم را

بهترین مقاله را انتخاب کنید  
کد این مقاله  
۱۴۵۱۰۱  
SMS ▶ ۲۰۰۰۲۸

## تاریخچه ستون کاریمدیکاتور سپید در صفحه چهل تکه هوار از من بگیر، خندهات رانه!

♦ دکتر میثم جوادی

با اسم خودت چاپ کنیم.  
- «خوب چی گیر من میاد؟»  
- «معلومه که هیچی.»  
- «با این حساب به نظر تو عاقلانه است. من تو این گرفتاری که خودم دارم همچین کاری بکنم؟»  
- «عاقلانه که نیست، ولی منم برای همین به تو زنگ زدم. این قدر هم فلسفه‌بافی نکن. من منتظرم.»  
- «حالا باشه بینم چی میشه» و همین طور بینم چی میشه که شوخی شوخی دوسال و نیم شد و کاری که با رفاقت شروع شد برایم هر روز یک رفاقت تازه می‌آورد...  
- «کجایی بابا بی‌معرفت! از وقتی فارغ‌التحصیل شدیم، نرسیدی زنده‌ام؟ مردام؟»  
- «راستش مجله‌تون هر هفته می‌آید بیمارستان. من هم می‌دیدم اسمت هست، می‌دونستم زنده‌ای دیگه نگرانتم نبودم.»  
- «اتفاقی افتاده؟»  
- «نه! ببخشید، ولی شما به طرز عجیبی شبیه یکی از همکلاسی‌های من هستید.»  
- «کی؟»  
- «حتما نمی‌شناسیش. اسمش میثم جوادی بود.»  
- «همون که تو سپید چرت و پرت می‌نویسه؟»  
- «بعله؟»

## تلافی روزهای رفته

♦ دکتر هلال همدانی

میان یک بیهودگی و بیخودی دوست‌داشتنی می‌پلکم. حالا که دیگر این کتاب‌ها بر کرده ساعت‌هایم سوار نیستند، شب و روزم را یک‌جا به روزمرگی بخشیده‌ام. کشیک‌هایم این ماه کم است. گفته‌اند می‌خواهیم خستگیت در برود، اما من آن را این طور ترجمه می‌کنم: نمی‌شود از راه نرسیده دوباره همان جایگاه قبلی را به دست آوری! محض اطلاع عرض کنم حقوق ما ساعتی و به حسب تعداد مریض حساب می‌شود، هر چه کشیک و مریض بیشتر، تقدینگی آخر ماه هم بیشتر. برنامه کشیک اسفند را که دیدم، با اینکه ته دلم عروسی بود از این همه فرصت بخور و بخواب، اما ابرویی در هم کشیدم و مختصر اخم و تخمی و نیمچه گله‌ای که برای ماه دیگر، گوشه دستشان باشد که حالا بگیریم سر و همسری در کار نباشد، یک آدم مجرد مگر خرج ندارد... یک اشتباهی سیری‌ناپذیر در من به وجود آمده که در تاریخ غذا خوردنم بی‌سابقه است. مامان که همیشه و در هر حال بچه‌هایش در نظرش چیزی جز مثنی پوست و استخوان نیستند، از این پیشامد، بسیار خشنود است، مخصوصاً حالا که امتحان، تمام قوه و بنیه بچهاش را از بین برده، از هیچ کوششی برای توسعه ساینز تن و بدن دخترش، دریغ نمی‌کنند! کتاب و فیلم و اینترنت، لحظات حیات‌بخش خرید و بازار، گپ‌های دوستانه و البته بی‌ثمر، ساعت‌هایم را سامان می‌دهند. اینها همه به تلافی روزهایی است که کلام توی این کتاب‌های تمام‌نشدنی لعنتی بود، به تلافی مهمانی مکه آمدن دایی جانم که همه دو شبانه روز بساطشان را خانه‌شان پهن کرده بودند و خوش گذشته بود بهشان و سهم من دو ساعت خشک و رسمی ناهار تالار بود، تولد خواهرزاده‌ها که از نبودن خاله‌شان و البته کادوهایش، ناراضی بودند و حیف از خیلی چیزها... حیف موهای بلندی که با فیچی به جانشان افتادم، حیف عروسی دختر مهری خانم که نترف داماد را بینم که می‌گفتند دخترش عاشق یکی از آنهایی شده که همیشه با دیدنشان اه و پیف مهری خانم بلند بوده، از همه مهم‌تر حیف آن دو سه خواستگاری که نگذاشتم از پای تلفن جلوتر بیایند، واقعا که! جفت پا کوبیدم روی بخت خودم! خلاصه که دارم تلافی روزهای رفته‌ام را روی روزهای مانده‌ام در می‌آورم...  
بهترین مقاله را انتخاب کنید  
کد این مقاله  
۱۴۵۱۰۲  
SMS ▶ ۲۰۰۰۲۸

## طرح



طرح: لاله ضیایی

## حاشیه

### چرا پزشکان عمومی نباید در انتخابات نظام پزشکی شرکت کنند؟

♦ دکتر قاسم اخوان حسینی

همسرش درخواست زمین کرد! بابا این جواب روبرو شد که: «آقای مهندس، اینجا جای این حرف‌ها نیست! این آقایان هزار سودا دارند و یک سرا! وقت‌شان به این کارها قند نمی‌دهد!» یک روز دیگر، هنگامی که پدر یک تازه دکتر، شال و کلاه کرد و به نظام پزشکی آمد و از هیات مدیره درخواست شغلی برای پسرش کرد! یکی از اعضای هیات‌مدیره عینکش را جابه‌جا کرد و با نگاهی سقراطی، ضمن سفارش وی به زهد و تقوا گفت: «پدر جان! اینجا جای این حرف‌ها نیست! بهتر است آقازاده سری به همین درمانگاه‌های خیریه سطح شهر بزنی و یک جابرای خودشان از حاج آقای درمانگاه دست و پا کنند.» وقتی دکتر چون طنزنویس «میخ‌دایم‌الگیر» به رییس دانشگاه آزاد گیر سه پیچ داد و قراردادش اتفاقا مسوول قسمت اداری که پیرمرد موقر دنیا دیده‌ای است، یواشکی در گوشش گفت: «دکتر جان، بهتر است خودت را با کله گنده‌ها درگیر نکنی! کن!! اینها خودشان چند جامسولیت دارند و قاطی معقولات نمی‌شوند!» فقط یک دلیل مانده که پزشکان عمومی در انتخابات شرکت کنند و آن تبدیل یک پزشک عمومی ساده مفرد به پزشکان عمومی ساده جمع است. همان ماه تمدید نشد! سراسیمه به نظام پزشکی آمد که: «وامصیبتا! ای داد! ای فریاد! چرا یکی نیست از ما حمایت کند؟»  
بهترین مقاله را انتخاب کنید  
کد این مقاله  
۱۴۵۱۰۳  
SMS ▶ ۲۰۰۰۲۸



# شرایط ویژه فروش

تا پایان اسفند ماه تمدید شد

سرویس ویژه رایگان

With BSI Plus Limited Time Offer

BMW

برای تعداد محدودی

BMW X3, 5 Series, 3 Series اقساط ۱۲ ماهه (سود ۱۲٪ در سال) برای کلیه اتومبیل‌ها



پرشیا خودرو نماینده انحصاری

نمایشگاه، دفتر مرکزی و خدمات پس از فروش کیلومتر ۵ جاده مخصوص کرج  
تلفن: ۰۹۸ ۲۱ ۱۸۸۵  
فکس: ۰۹۸ ۲۱ ۴۴۵۱ ۵۵۲۰

شماره تماس عاملین فروش:

ایران‌شهر (نوریانی) ۸۸۸۲۳۹۸۴ ، زمرد ۲۲۸۹۵۴۲-۳-۰۵ ، نیکخواه ۰۶۶۱۱-۰۶۶۹۰۰ ، مطهری ۵-۸۸۵۲۷۰۰۰  
نیوکولام ۰۳-۸۸۷۵۳۹۷۰ ، تختی (نگاه‌شاهین) ۰۴-۸۸۷۴۸۷۴۱ ، شیراز (گلناری) ۰۲۳۳۲۱۴۷ (۰۷۱۱) ، مشهد (منوری) ۰۵۱۱-۸۵۳۷۵۲۵  
اصفهان (کشانی) ۰۳۱۱-۶۲۷۴۹۰۰ ، بابل (جمالی) ۰۲۲۵۱۳۳۵ (۰۱۱۱) ، رشت (پوررستگار) ۰۱۳۱-۸۸۲۱۶۶۱